

خیلی از دانش‌های روبنایی و زیربنایی مرده‌اند، اما فقه زنده مانده است، و این تنها مربوط به ماهیت عمل گرایانه فقه نیست. ماهیت عمل گرایانه یکی از مؤلفه‌های متعدد باقی ماندن فقه است.



نسبت این فقه دارای توانایی ایجاد و حل مسئله با فرهنگ‌درشناسایی و حل مسائل جامعه چگونه است؟
فرحانی: برای درک این مطلب باید از دو منظر به مطلب نگاه کرد، یک بار از منظر فقهی به ماجرا نگاه می‌کنم و یک بار از منظر یک اهل فرهنگ به قضیه نگاه خواهم کرد. از منظر فقهی این رساله عملیه مرز بین مسخ شدن انسان و نجات او است که هر مسلمانی هم به این امر واقف است و این نیز صحیح است: «**إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**» (مائده، ۲۷) و متقین کسانی هستند که واجب و حرام خداوند را رعایت کنند. ما در اینجا بنا نداریم تفاسیر محلی از فقه در حوزه‌های انسانی و مفاهیم مدرن ارائه بدهیم و فقه فقه است و دستور خداست. اما از منظر فرهنگی، فرهنگ برای ما یک فضا درست می‌کند که انسان‌های فقه‌محور در این فضا تنفس می‌کنند و فرهنگ به مثابه روح است. فقه گاهی اوقات سخت است، چنانکه حج سخت است، نماز صبح خواندن سخت است، روزه گرفتن در گرما سخت است و این گرما برای برخی مثل راکتور اتمی است، داغ است، می‌گوید من چگونه بگذارم بچه نه‌ساله‌ام روزه بگیرد. این باید بیاید در حوضه فرهنگ قرار بگیرد. چرا فرهنگ عملاً پذیرش و قوام‌بخشی به فقه را شکل می‌دهد و باعث می‌شود نوع نگاه به فقه و سختی‌های رویکرد فقهی تلطیف شود؟

در شکاف اجتماعی‌ای که ما در سال ۱۴۰۱ تجربه کردیم و فقه مسئله را ایجاد کرد، حاکمیت دنبال اقامه یکی از حدود شرعی است و بخش محدودی از جامعه این

می‌خواهیم فقه را نگه داریم. برخی تصمیم گرفتند که فقه را کنار بگذارند. برخی هم معتقدند که همیشه فقه را حذف کرد. جمع بندی اینکه فقه در مسئله مندی هم دخالت می‌کند. پیامدها در محتوای فقه اثرگذار هستند. پس در این مسئله، شرایط، فریندها و آنچه می‌خواهیم به آن برسیم، فقه حضور جدی دارد و این حضور جدی فقه است که کمک کرده است که این اتفاق بیفتد. مثلاً حضور جدی فقه در دوره رضاخان هم بود که اتفاقاً در آن زمان هم وقتی بحث کشف حجاب مطرح شد، تلاش کردند که به فقه ضربه بزنند و نیروی مقاومتی که شروع شد فقه بود. پهلوی‌ها سعی کردند که فقه را دور بزنند، به همین خاطر یک سری ساختارهای موازی درست کردند؛ اما دوباره می‌بینیم که در سال ۱۳۵۷ فقه با قدرت بیشتری بالا آمد و در زمینه‌های اجتماعی بزرگ نقش ایفا کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند نقش فقها در ایران را حذف کند. این نشان دهنده این است که از آن طرف برای حذف فقه روندی شروع شده بود که فقه با مواجهه جدی تری وارد صحنه می‌شود و تلاش می‌کند رقیب را از میدان به در کند و در سال ۱۳۵۷ این اتفاق افتاد، زیرا رهبری این انقلاب به زعامت فقیه‌ای بود که نمونه عالی‌ای از قدرت فزاینده فقه در عرصه اجتماعی است. طبیعی است که رقبا ساکت نشینند و دوباره تلاش کنند که به صحنه برگردند و این تضارب و درگیری‌ها مجدداً در حال تکرار شدن است. در سال ۱۴۰۱ دوباره دیدیم که در بحث پوشش مطرح شد. در زمان پهلوی اول بحث پوشش بود. اینجا هم دوباره بعد از چند دهه باز بحث پوشش مطرح شد.